## موراژگان ۵۰۰

ایستگاه	🔵 فرودگاه	ٱلْمَطار	🔵 آشنایی	🔵 شناساندن	اَلتَّعارُف
سيّارات، كرات	ستارگان	أَنْجُم	که مسافرت کنم	که سفر کنیم	أَنْ أُسافِرَ
بخششها 🔵	نعمتها 🔵	أَنْعُم	نازل شد 🔵 نازل	نازل کرد	أَنْزَلَ
کامل	رسیدن	بالغ	پدید آورد	پدیدار شد	أَوْجَدَ
ریشه و اصل هر چیز	🔵 پارهٔ آتش، اخگر	جَذْوَة	🦳 ترجمه کن	ترجمه كرد	تَرْجِمْ
این 🔵	آن	ذا (هذا)	درخشان 🔵	مرواريدها	دُرَر
این 🔵	آن	ذاكَ (ذلِكَ)	دارای، مالک	🔵 دارایی، ثروت	ذات (مؤنّث ذو)
🔵 شرارت، بدی	اخگر، پارهٔ آتش	شَرَرَة	فريب داد 🔵	زينت داد	زانَ
🦳 روشنایی، نور	درخشان، تابان	ضياء	بساز	🦳 قرار بده	ضَعْ
🔾 مِه	ابر	غَيم	🔵 شكوفهها	ا شاخهها	غُصون
🦳 شعلەور، گداختە	🔵 فروزان	مُسْتَعِرَة	بگو	گفتار	قُلْ
ا التماس و تضرّع 🦳	متأسفانه	مَعَ الْأَسَف	یاری جوینده	مددکار	مُستَعين
خروشان 🦳	ريزان 🗀	مُنْهَمِرَة	این کیست؟	🔵 آن چه کسی است؟	مَنْ ذا
رشد کرد	نما، نمایش	نَمَتْ ( مؤنَّث نَما)	تر و تازه	الشادمان المان	نَضِرَة
میچرخد	نقش بازی میکند 🔵	يَدُورُ	درآوَرَد	درمیآورَد	يُخْرِجُ

## ذاكَ هُوَ اللَّهُ (آن همان خدا است.)

به آن درخت دارایتر و تازه	ذاتِ الْغُصونِ النَّصْرَه	١- أَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَه
چگونه ازرشد کرد و چگونه درختی	وَ كَــيْـفُ صــارَتْ شَـجَــرَه	٢-كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ
پسو بگو این چه کسی است که از آن	يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّـمَرة	٣- فَـابْحَتْ وَ قُـلْ مَنْ ذَا الَّذي
و به خورشیدی که آن آن است، نگاه کن.	جَــْدُوَتُــها مُـسْــتَــعِـرَه	۴- وَ انْـظُرْ إِلَـى الشَّمْسِ الَّتِي
در آناست و توسط آن حرارتی (گرمایی)استاست.	حَـــرارةً مُــنْـتَـشِــرَه	۵- فيها ضياءٌ وَ بِـهـا
ایناست که آن را در هوا همچون آفرید؟ (پدید آورد؟)	في الْجَوِّ مِثْلَ الشَّـرَرَه	٥- مَـن ذَا الَّــذي أَوْجَـدَهــا
همان خداوندی است که او است.	أَنْعُمُهُ مُنْهَمِرَه	٧- ذاكَ هُــوَ اللّـهُ الَّــذي
دانشی و قدرتی است.	وَ قُـــدْرَةٍ مُـــقْــتَــدِرَه	٨- ذو حِـكْـمَــةٍ بــالِـغَــةٍ
به نگاه کن پس چه کسی ماه را ؟	أَوْجَـدَ فـيـهِ قَـمَـرَه	٩- أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ
و آن را با	كَــالــدُّرَرِ الْـمُـنْـتَشِــرَه	١٠- وَ زانَــهُ بِــأَنْــجُــمٍ
و به را نازل کرد؟	أَنْـزَلَ مِـنْــهُ مَـطَـرَه	١١- وَ انْ ظُرْ إِلَى الْغَيمِ فَـمَنْ

م اعلَوا م

## ∞ قواعد ۰۰

#### مروری گذرا بر قواعد سالهای گذشته

#### صيغهها (ساختارهاي) فعل

نفی ۱	نهی	امر	مضارع	ماضی	ضمير	. فارسی و عربی	نام ساختارها به
لا أَفْعَلُ	_	_	أَفْعَلُ	فَعَلْتُ	أنا	متكلّم وحده	اوّل شخص مفرد
انجام نمىدهم	-	-	انجام مىدھم	انجام دادم	من	_	ترجمه
لا تَفْعَلُ	لا تَفْعَلْ	اِفْعَلْ	تَفْعَلُ	فَعَلْتَ	أنتَ	مفرد مذکّر مخاطب	N &
لا تَفْعَلينَ	لا تَفْعَلي	إفْعَلي	تَفْعَلينَ	فَعَلْتِ	أنتِ	مفرد مؤنّث مخاطب	دوم شخص مفرد
انجام نمىدهى	انجام نده	انجام بده	انجام میدهی	انجام دادی	تو	_	ترجمه
لا يَفْعَلُ			يَفْعَلُ	فَعَلَ	ھُوَ	مفرد مذکّر غایب	سوم ش <i>خص</i> مفرد
لا تَفْعَلُ	_	_	تَفْعَلُ	فَعَلَتْ	هِيَ	مفرد مؤنّث غايب	سوم سحص سوره
انجام نمىدهد	_	_	انجام مىدھد	انجام داد	او	_	ترجمه
لا نَفْعَلُ	-		نَفْعَلُ	فَعَلْنا	نحنً	متكلّم معالغير	اوّل شخص جمع
انجام نمىدھيم	-	_	انجام مىدھيم	انجام داديم	ما	_	ترجمه
لا تَفْعَلونَ	لا تَفْعَلوا	إفْعَلوا	تَفْعَلونَ	فَعَلْتُم	أنتم	جمع مذکّر مخاطب	
لا تَفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ	ٳڣ۠ۼٙڶڹٙ	تَفْعَلْنَ	فَعَلْتُنَّ	أنتُنَّ	جمع مؤنّث مخاطب	دوم شخص جمع
لا تَفْعَلانِ	لا تَفْعَلا	إفْعَلا	تَفْعَلانِ	فَعَلْتُما	أنتُما	مثنى مذكّر مخاطب	دوم سحص جمع
لا تَفْعَلانِ	لا تَفْعَلا	إفْعَلا	تَفْعَلانِ	فَعَلْتُما	أنتُما	مثنى مؤنّث مخاطب	
انجام نمىدھيد	انجام ندهيد	انجام بدهيد	انجام مىدھيد	انجام دادید	شما	_	ترجمه
لا يَفْعَلونَ	_	_	يَفْعَلونَ	فَعَلوا	هم	جمع مذكّر غايب	
لا يَفْعَلْنَ	_		يَفْعَلْنَ	فَعَلْنَ	هنَّ	جمع مؤنّث غايب	
لا يَفْعَلانِ			يَفْعَلانِ	فَعَلا	هما	مثنی مذکّر غایب	سوم شخص جمع
لا تَفْعَلانِ			تَفْعَلانِ	فَعَلَتا	هما	مثنى مؤنّث غايب	
انجام نمىدهند	_	_	انجام مىدھند	انجام دادند	ايشان	_	ترجمه

فعل ماضی استمراری: این فعل از ترکیب فعل ماضی «کانّ» و فعل مضارع پس از آن حاصل می گردد:

مثال: يَذْهَبُ: مىرود ماضى استمرارى > كانَ يَذْهَبُ: مىرفت.

نکته: فعلهای غایب در اوّل جمله بهصورت مفرد به کار رفته و با اسم پس از خود از نظر تعداد (مفرد، مثنی، جمع) مطابقت نمیکند. ولی اگر فعل در وسط جمله قرار بگیرد، با اسم پیش از خود از نظر تعداد مطابقت میکند. بنابراین؛ در هنگام صرف فعل ماضی استمراری نیز، فعل «کان» و فعل مضارع پس از آن از نظر ساختار باید مانند هم باشند ولی اگر «کانّ / کانّتْ» اول جمله باشند، بهصورت مفرد میآیند.

وسط جمله	اول جمله
<b>الرِّجالُ كانُوا يَذْهَبُونَ</b> : مردان مى <sub>د</sub> فتند.	<b>كانَ الرِّجالُ يَذْهَبُونَ:</b> مردان مىرفتند.
<b>النِّساءُ كُنَّ يَدْهَبْنَ:</b> زنان مىرفتند.	<b>كانَتِ النِّساءُ يَذْهَبْنَ:</b> زنان مىرفتند.

فعل مستقبل (آینده): فعلی است که بر زمان آینده دلالت میکند. این فعل از ترکیب «سَـ یا سوفَ + فعل مضارع» حاصل میگردد و در ترجمهٔ آن از فعل «خواهـ... + بن ماضی فعل» استفاده می شود. مثال: یَذْهَبُ: می رود می شود. مثال: یَذْهَبُ: می رود سُنقبُ می سُدُهُبُ اسَوفَ یَذْهَبُ: خواهد رفت.

۱. برای منفی کردن فعل ماضی فقط کافی است که بر سر فعل ماضی حرف نفی «ما» را آورد؛ مانند: ذَهَبَ: رفت ← ماذَهَبَ: نرفت / خَرَج: خارج شد ← ماخَرَجَ: خارج نشد، بيرون نرفت

اسم اشاره: در زبان عربی اسمهای اشاره بهصورت زیر به کار می روند:

مؤنّث دور	مؤنّث نزدیک	مذکّر دور	مذکّر نزدیک	
تِلك: آن	هذه: این	ذلِك: آن	هذا، ذا: این	مفرد
-	هاتانِ، هاتَيْنِ: اينها (اين دو)	-	هذانِ، هذَيْنِ: اينها (اين دو)	مثنّی
أُولئِك: آنها	هٰؤُلاءِ: اينها	أُولئِك: آنها	هٰؤُلاءِ: اينها	جمع

#### 🐅 اسمها از نظر تعداد دارای انواع زیر هستند:

جمع مکسّر	جمع مؤنّث سالم	جمع مذكّر سالم	مثنّى مؤنّث	مثنّی مذکّر	مفرد مؤنّث	مفرد مذکّر
طُلّاب / طَلَبَة	طالِبات	طالِبونَ / طالِبينَ	طالِبَتانِ / طالِبَتَيْنِ	طالِبانِ / طالِبَيْنِ	طالِبَة	طالِب
فُضَلاء	فاضِلـات	فاضِلُونَ / فاضِلينَ	فاضِلَتانِ / فاضِلَتَيْنِ	فاضِلـانِ / فاضِلَيْنِ	فاضِلَة	فاضِل
عُلماء	عالِمات	عالِمُونَ / عالِمينَ	عالِمتانِ / عالِمَتَيْنِ	عالِمانِ / عالِمَيْنِ	عالِمة	عالِم
أصْدِقاء	صَدِيقات	صَدِيقُونَ ا صَدِيقينَ	صَدِيقتانِ / صَدِيقَتَيْنِ	صَدِيقانِ / صَدِيقَيْنِ	صَدِيقَة	صَدِيق

## بنابراین برای شناخت اسمهای «مفرد، مثنّی و جمع» و «مذکّر و مؤنّث» به جدول زیر توجّه کنید:

جمع مكسّر	علامت جمع مؤنّث سالم	علامت جمع مذكّر سالم	علامت مثنّى	علامت مؤنّث
وزنهایش سماعی (شنیداری) است.	ات	ونَ، ـِ ينَ	انِ، ـَ يْنِ	ة،ة

اعداد اصلی، اعداد ترتیبی، روزهای هفته، وعدههای غذایی، فصلهای چهارگانه و رنگهای اصلی

#### الف) اعداد اصلی «۱۲–۱»

	أُحَدَعَشَرَ										
دوازده	يازده	ده	نُه	هشت	هفت	شش	پنج	چهار	سه	دو	یک

#### ب) اعداد ترتیبی «۱۲–۱»

اَلثّاني عَشَرَ	اَلحادي عَشَرَ	ألعاشِر	اَلتّاسِع	اَلثّامِن	اَلسّابِع	اَلسّادِس	ألخامِس	اَلرّابع	اَلثّالث	اَلثّاني	اَلأَوّل	مذكّر
اَلثّانية عَشَرَةَ	ألحادية عَشَرَةَ	ألعاشِرَة	اَلتّاسِعَة	اَلثّامِنَة	اَلسّابِعَة	اَلسّادِسَة	ألخامِسَة	اَلرّابعة	اَلثّالثة	اَلثّانية	اَلأوليٰ	مؤنّث
دوازدهم	يازدهم	دهم	مهن	هشتم	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	یکُم	معنى

#### ج) روزهای هفته

يَوْمُ الْجُمُعَة	يَوْمُ الْخَمِيس	يَوْمُ الْأَرْبِعاء	يَوْمُ الثّلاثاء	يَوْمُ الإِثْنَيْنِ	يَوْمُ الأَحَد	يَوْمُ السَّبْت
جمعه	پنجشنبه	چهارشنبه	سەشنبە	دوشنبه	يكشنبه	شنبه

#### د) وعدههای غذایی

اَلْعَشاء	ٱلْغَداء	ٱلْفَطور
شام	ناهار	صبحانه

#### ه) فصلهای چهارگانه

الشِّتاء	الْخَريف	الصَّيْف	الرَّبيع
زمستان	پاییز	تابستان	بهار

#### و) رنگهای اصلی

أُخْضَر	أُحْمَر	أَصْفَر	أُزْرَق	أُبْيَض	أَسْوَد
سبز	قرمز	زرد	آبی	سفید	سیاه

#### اوزان

دوستان عزیز و ارجمند، روزی برفی را به یاد آورید که بر فراز تپّهای ایستادهاید و یک مشت برف را گلوله کرده و از بالا به سمت پایین قِل داده و هر لحظه بر حجم آن افزوده می شود. در زبان عربی نیز معمولاً کلمات دارای ریشهٔ سه حرفی «فـ / عـ / ل» بوده و سپس به تعداد حروف آنها افزوده می شود و کلمات جدید با معانی جدید به وجود می آیند. با یکدیگر به سراغ بازی با کلمات و وزنهای آنها برویم:

										حروف اصلی
أَفْعَل	فَعُول	اِفْتِعال	مُفَعَّل	مِفْعال	فَعّال	أُفْعال	فَعِيل	مَفْعُول	فاعِل	وزن
أُعْلَم	غَفُّور	إغْتِنام	مُقَدَّس	مِفْتاح	سَتّار	أُعْمال	قَدِير	مَحْمُود	ناصِر	كلمة جديد

#### ساعت

اگر همراه خانوادهٔ محترم خود به سفرهای زیارتی کربلا و نجف اشرف مشرّف شوید به ساعتخوانی نیز نیازمند هستید.

ساعت بر وزن «اَلْفاعِلَة» است و سپس دقیقههای آن به همراه «وَ» میآید. برای بیان «نیم» (سی دقیقه)، «النّصف» آورده میشود. برای بیان «یک ربع مانده به ...» حرف «إلّا» میآوریم سپس دقیقه نوشته میشود. اکنون برای آشنایی بیش تر به شکلهای زیر توجّه کنید:



السّاعَةُ الرَّابِعَةُ تَماماً ساعت چهار تمام



اَلسَاعَةُ السَّادِسَةُ وَ النِّصْفُ اَلسَاعِةُ السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعاً سَاعَةُ السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعاً ساعت نه و نيم ساعت نه و نيم دويقه)



اَلسّاعَةُ اَلسَّابِعَةُ وَ الرُّبِعُ ساعت هفت و ربع

#### ترکیب وصفی و اضافی

در پایان با ترکیب اضافی (مضاف و مضافالیه) و ترکیب وصفی (موصوف و صفت) آشنا شویم:

موصوف: اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی (صفت) می آوریم. موصوف و صفت از جهات مختلف (جنس، تعداد، «ال» داشتن یا نداشتن، حرکت) مانند هم هستند. مضاف: اسمی است که به اسم پس از خودش یعنی مضافالیه نسبت داده می شود. اسم اول (مضاف) «اَلْ» و تنوین «عُیِّ و نون مثنّی و جمع مذکّر سالم را نمی پذیرد و اسم دوم (مضافالیه) همواره مجرور (بِ) است، مانند:

ترجمه	مضافاليه	مضاف	ترجمه	صفت	موصوف
علمِ شيمي	الْكِيمياءِ	عِلْمُ	پاره آتشی فروزان	مُسْتَعِرَةً	جَذْوَةً
آزمایشگاهِ مدرسه	الْمَدْرَسَةِ	مُخْتَبَرُ	آزمایشگاهی کوچک	صَغيرً	مُخْتَبَرُّ
دانشجويانِ دانشگاه	الْجامِعَةِ	طُلّابٌ	دژی تاریخی	تاريخيَّةُ	قَلْعَةُ

\* هرگاه مضافالیه و صفت با هم در یک عبارت بیایند ابتدا مضافالیه سپس صفت می آید. (مضاف و موصوف یکی هستند ولی مضافالیه و صفت با یکدیگر فرق دارند.) امّا در زبان فارسی صفت پیش از مضافالیه می آید.

🐅 مضافالیه می تواند ضمیر یا اسم باشد:

**موصوف / مضاف** طُلّابٌ

أب (والد)

صَدِيقَةٌ

الف) اسم اول (مضاف و موصوف) + ضمير متّصل (مضافاليه) + اسم دوم (صفت)

ب) اسم اول (مضاف و موصوف) + اسم دوم (مضافالیه) + اسم سوم (صفت)

(ب)						الف)	
ترجمهٔ فارسی	صفت	مضافاليه	موصوف / مضاف		ترجمة فارسى	صفت	ضافاليه
جنگلهای سرسبز مازندران	الْخَضْراءً	مازَندَرانَ	غاباتُ		دانشجویان کوشای ما	الْمُجْتَهِدُونَ	نا
معلّمان بزرگوار مدرسه	الْمُكَرّماتُ	الْمَدْرَسَةِ	مُعَلّماتُ		پدر عزیزم	الْعَزيزُ	ي
جوانان عزيز ايران	الْأُعِزّاءُ	إِيرانَ	شُبّانُ		دوست بزرگوارش	الشَّريفةُ	لو_

	جدول کلمات پرسشی
نحوهٔ پاسخگویی	كلمات پرسشى
از «نعم» يا «لا» استفاده مىكنيم. هل هذا عِنَبُ؟ نعم؛ هذا عِنَبُ. / لا؛ هذا تفّاحُ.	<b>هل، أ</b> (آیا)
از نام شخص يا شغل او استفاده ميكنيم. مَنْ هو؟ هو معلّمٌ. / مَنْ هي؟ هي فاطمةُ.	<b>مَنْ</b> (كيست، چە كسى)
از نام شيء استفاده ميكنيم. ما هو؟ هو قلمُّ. / ما هي؟ هي منضدةً.	<b>ما، ماذا</b> (چیست، چه چیزی)
از حرف لـِ + نام شخص يا شغل او استفاده ميكنيم. لِمَنْ هذا القلمُ؟ لِعليٍّ / لِلطّالِبِ	<b>لِمَنْ</b> (برای چه کسی)
از حرف «لِأنّ» یا «لِّ» به معنای «زیرا، برای اینکه» استفاده میکنیم. لِماذا ذهبتِ إلی بیت جدّكِ؟ لِلمساعدةِ / لماذا أنتَ كُنتَ غائباً؟ لِأَتّي (لِأَنّني) كنتُ مریضاً.	<b>لِماذا، لِمَ</b> (برای چه)
از اســـمهاى مكان و از جهات (فوق، جنب، تحت، أمام، وراء، خَلْف، على) و كلماتى مانند على اليمين، على اليسار و استفاده مىكنيم. أينَ الاُمُّ؟ في السيّارةِ.	أينَ (كجا)
از نام شهر يا كشور استفاده مىكنيم. مِنْ أينَ أنتَ؟ أنا مِن طهران. أنا طهرانيُّ.	مِنْ أينَ (اهل كجا)
از اعداد استفاده مىكنيم. كم كتاباً عندكَ؟ ثلاثةً،	كَمْ (چقدر)
از اسم زمان استفاده میکنیم. متی جئتَ؟ مساءً،	مَتىٰ (كِي، چه وقت)
از حالت يا وسيلهٔ انجام كار استفاده مىكنيم. كيف حالُكَ؟ أنا بخيرٍ. /كيف ذَهبتَ؟ ذَهبْتُ بالسّيّارةِ.	<b>کیفَ</b> (چگونه، چطور)

## حِوارٌ (گفتگو)

## (ٱلتَّعارُفُ في مَطارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ) (................ در .............. نجف اشرف)

زائرُ مَرْقَدِ أميرِالْمُؤمِنينَ عَليّ النَّهُ	أَحَدُ الْمُوَظَّفِينَ في قاعَةِ الْمَطارِ
	از کارمندان در فرودگاه
اَلشَّلامُ عَلَيْكُمْ.	وَ عَلَيْكُمُ السَّلامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرِكاتُهُ.
سلام (درود)	وخدا و برکتهایش.
صَباحَ الْخَيْرِ يا أَخِي.	صَباحَ النّورِ وَ السُّرورِ.
به خیر ای	صبح [شما پر از] نور و
كَيْفَ حالَك؟	أنا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ منهستم و توهستى؟
حال تواست؟	من ً هستم و تو هستى؟
بِخَيْر وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.	عَفْواً، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ تو از هستى؟
مَنهستم وهستم و	تو از
أَنا مِنَ الْجُمهوريَّةِ الْإِسلاميَّةِ الْإِيرانيَّةِ.	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
از جمهوری اسلامی ایران هستم.	شريفت
اِسْمي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	اِسْمي عَبْدُ الرَّحْمانِ.
حسین است و اسمچیست؟	عبدالرّحمان است.
	لا؛ مَعَ الأَسفِ. لٰكِنّي أُحِبُّ أَنْ أُسافِرَ.
هل سافَرْتَ إِلَى إِيرانَ حَتَّى الآنَ؟ آيا تاكنونايرانايران	نه، اما دوست دارم که
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسافِرُ إِلَى إِيرانَ!	إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللِّقاءِ؛ مَعَ السَّلامَةِ.
اگر خدابه ایران !	اگر خدا؛ به امید؛ به سلامت.
	فِي أَمانِ اللَّهِ وَ حِفظِهِ، يا حبيبي.
<b>في أَمانِ اللّهِ.</b> درخدا.	درخدا واو، ای

## ∞۔ تورینات ۰۰

ترجمهٔ فارسی انتخاب کن.)	را در	(جواب درست	لْفارسيَّةِ.	تَّرجَمَة ا	فِي ال	الصَّحيحَ	الْجَوابَ	نْتَخِب
--------------------------	-------	------------	--------------	-------------	--------	-----------	-----------	---------

سى انتخاب كن.)	<b>لْفَارِسيَّةِ.</b> (جواب درست را در ترجمهٔ فارس	إِنْتَخِبِ الْجَوابَ الصَّحيحَ فِي التَّرجَمَة اأ
نُعام: ١	﴾ وَ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ النَّورَ ﴾ اَلْأَ	ا ﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّماواتِ
ها و روشنایی را بنهاد.	<i>ن ک</i> ه آسمانها و زمین را آفرید و تاریک <u>ی</u>	۱ 🗍 ۱) ستایش از آنِ خدایی است
و روشنایی را قرار داد.	ن که آسمان و زمین را آفرید و تاریکی <sub>و</sub>	🗍 ۲) ستایش از آنِ خدایی اسن
عِمران: ۱۹۱	وَ الْأَرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلاً﴾ آلُ	\Upsilon ﴿وَ يَتَفَكَّرونَ فِي خَلْقِ السَّماواتِ
آفریده نشده است!	زمین تفکّر م <i>یک</i> نید، پروردگارا این باطل	۱ ) و در آفرینش آسمانها و
باطل نيافريدى!	مین تفکّر میکنند، پروردگارا این[ها] را	7) و در خلقت آسمانها و زه
	نِ النَّضِرَه	🍸 أُنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَه / ذاتِ الْغُصو
	که دارای شاخههای سبز و زیبا است.	۱ 🗍 به آن درخت نگاه میکنم
	دارای شاخههای تر و تازه است.	۲) به آن درخت نگاه کن که
	ة مِنْها الثَّمَرَه	ا يُخْرِجُ فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذي / يُخْرِجُ
خارج میسازد؟	تم این چه کسی است که میوه را از آن	۱ ) پس جستوجو کردم و گف
میآورد؟	, چه کسی است که از آن میوه را بیرون	🗍 ۲) پس تحقیق کن و بگو این
را بنویس.)	ر. (این جملات را ترجمه کن و نوع افعال	تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمَلَ، وَ اكْتُبُ نَوعَ الْأَفْعَالِ
هُنَّ لا يَنْصُرْنَ الظّ		نَصَرَ اللَّهُ الْمُؤمنينَ.
اتَّنا هُوَ		° ڈیکا ڈال ڈاڈ

# ٱلْمُسْلِمونَ كانُوا يَنْصُرونَ الضُّعَفاءَ. لا تَنْصُرِ الشِّركَ وَ النِّفاقَ. ما نَصَرْتُمُ الْمُشرِكينَ. أَنْتُمْ تَنْصُرونَ اللَّهَ.

1 6	1: 0 1 / 20 11 16	-\ "" 1:t1 t1		0 **
سے دحمہ دیا	لمات رنگی را به فار	المر العارسية. ( ا	الحلمات الملونة	ں جہ
		ء کا از در	1	10 . 7

مِثْلَ الشَّرَرَةِ.	فِي الْجَوِّ	أَوْجَدَها /	ذًا الَّذي	ل مَن
---------------------	--------------	--------------	------------	-------

- اُكْتُبوا واجباتِكُمْ في دَفاتِرِكُمْ.
  - اِنَّنا سَوْفَ نَكْتُبٌ أَبْحاثاً.
- ۴ اَلْقَمَرُ كَوْكَبُ، يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِياوُّهُ مِن الشَّمْسِ.
- هذه الطّالِبَةُ رَاسِبَةٌ في كُلِّ الْإِمْتِحاناتِ مَعَ الْأُسَفِ.

	عربی دهم / گاج	16
در ترجمهٔ فارسی کامل کن.)	<b>الفارسيّةِ.</b> (جاهاي خالي را د	لُمِّلِ الْفَراغَاتِ في التَّرجَمَةِ
	ي السَّماءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.	ا الْغَيْمُ بُخارً مُتراكِمٌ في
از آنمىبارد.	فشرده در آسمان است که ا	بخاری
ةٌ مُنْتَشِرَةٌ.	تَعِرَةً، فيها ضياءً وَ بِها حَرار	٢ ٱلشَّمْسُ جَذوَتُها مُسْنَ
است و توسط آن گرماییاست.	فروزان است، در آن	خورشید
	وَ كَيْفَ صارَتْ شَجَرَةً؟	٣ كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ /
ę	و چگونه درختی	چگونه از دانهای
	، / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَه؟	۴ وَ انْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ
ز آن باران را؟	ئاه كن پسا	و بهنگ
(در دایره عدد مناسب قرار بده. «یک کلمه اضافه است.»)	سِبَ. «كَلِمَةُ واحِدَةً زائدةً.»	مَعْ في الدّائرةِ الْعَدَدَ الْمُنا
حْجارِ الْجَميلةِ الْغالِيَةِ ذاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.	مِنَ الْأَ-	يَوْمُ الْأَرْبِعاءِ
مِبادِ عِنْدَ اللَّهِ مَطرودٌ و هُوَ الظُّلْمُ الَّذي لا يَغْفِرُهُ اللَّهُ.	عَلَى الْبِ	<b>آ</b> اَلفُسْتانُ
مِنَ الرَّمْلِ (شن) وَ اِخْتِلاطِ بَعْضِ الْمَوادِ الْمَعدنيّةِ.	تُصْنَعُ ،	اً لُبَطّاريَّةُ
ِمُ الْخامِسُ مِنَ الْأَيَّامِ الْأُسْبُوعيَّةِ.	هُوَ الْيَوْ	۴ ٱلْعُدْوانُ
بُسَةِ النِّسائيَّةِ ذي الْأَلُوانِ المتنوّعَةِ.	مِن الْأَأْ	🌢 اَلزُّجاجَةُ
ضَنَ الْكَهْرِباءِ في وَسائطِ النَّقْلِ الْعامَّةِ.	هِيَ مَخْ	﴾ اَلدُّرُّ
		💙 يَوْمُ الْخَمِيسِ
ى خالى كلمهٔ مناسب براساس معنى بنويس.)	بِبَةً حَسَبَ الْمَعنَى. (در جاء	كْتُبْ فِي الْفَراغِ كَلِمَةً مُناسِ
ا ثَمانية ا ا خَمْسَة ا	/ اِثْنانِ /	ا لَأَعْدادُ الْأُصليّةُ هِيَ:
/ السّادِس / السّادِس / السّادِس / السّامِن /		
		لْعاشِر /الله السالة

الشَّنةِ أَزْبَعَةٌ وَ هِيَ: ...... / الصَّيْف / ....... / الصَّاء.

الشَّجَرِ

هُ نَأْكُلُ .....في الصَّباحِ / .....في الظَّهْرِ / .....في الظُّهْرِ / .....في اللَّيْلِ.

🝸 أيّامُ الْأُسْبُوعِ سَبْعَةٌ وَ هِيَ: يَوْمُ ....... / الْأَحَدِ / ...... / الْأَرْبِعاءِ / ...... / الْجُمُعَةِ.

﴾ لَوْنُ الْغُرابِ ...... / لَوْنُ اللَّبَنِ ..... / لَوْنُ السَّماءِ ...... / لَوْنُ الْمَوزِ ..... / لَوْنُ الْمُوزِ ..... / لَوْنُ الْمُوزِ ...... / لَوْنُ الْمُوزِ .....

## ضَعِ الْمُترادِفاتِ وَ المُتَصَادّاتِ فِي مكانِها الْمُناسِبِ. (مترادفها و متضادها را در جاى مناسب خود قرار بده.)= ≠

باء – اَلْكَلام	– اَلْعَيْش – اَلْعَدُوّ – ضِ	قَليل - آخِرَة - أُراذِل	لْمُخْتَلِفَة - ٱلْفائز - مَمْنوع - حُزْن - فَ	اَلسَّحاب – اَ
تَنوِّعَة =	• الْـ	■ اَلصَّديق ≠	• دُنْيا ≠	●كَثير ≠
=	• نو	ۅ أَفاضِل ≠	<ul><li>النّاجح =</li></ul>	● ٱلْمَوْت ≠
يم =	الله	◎ مَسْمُوحٍ ≠	● ٱلْحَديث =	● سُرور ≠
ت با ذکر دلیل معیّن کن.)	گر در معنی متناسب نیس	(کلمهای که با کلمات دیاً	الْلُّخْرَى في الْمَعْنَى مَعَ بَيانِ السَّبَبِ. ا	عَيِّنُ الْكَلِمَةَ الَّتِي لا تُناسِبُ الْكَلِماتِ
الشّتاء		اًلْخَريف	ً الْجُمُعَة	الرَّبيع
الصَّباح		اً الْعَشاء	اً ٱلْفَطُور	الْغَداء 🗍 الْغَداء
أَفْضَل		🗍 أَزْرَق	اً خْضَر	اً اُسْوَد
ظُلْمَة		🗍 ضَوْء	ا نور	ا ضیاء 🗍 ضیاء
مَكْتَبَة		🗍 مَدْفَن	مَقْبَرَة	🛕 🗍 مَرْقَد
اَلْمَطَرِ		اً اَلسَّحاب	اً لْأَرض	👂 🗍 ٱلْغَيْم
ٱلْأَرْض		🗍 اَلنَّجْم	اً ٱلْقَمَر	🔰 🗍 اَلشَّمْس
		نویس.)	این فعلها را ترجمه کن و نوع آنها را بن	تَرْجِمْ هذه الْأفعالَ، وَ اكْتُبْ نَوعَها. (
	1	● تَموتُ:		/
	/	• كانُوا يَتَفَكَّرُونَ:		● سَوْف تَدُورُ:ا
	/	• سَيَرْسُمُ:		• ما كَتَبْتُنَّ:
	/	● لا تَكْتُبي:		● لا تَكْتُبينَ:
ه کن.)	ده، سپس آنها را ترجم	مکان مناسب خود قرار ب	<b>ناسِبِ، ثُمَّ تَرْجِمْها.</b> (فعلهای زیر را در	إِجْعَلِ الْأَفْعَالُ التَّالِيةَ في مَكَانِهَا الْمُ
ن <u>ْ</u> جَدِّدُ	َىيَرْحَمُ – لا تَخْرُجْنَ –	، يُجَهِّزُ – لا تَفْعَلُوا – سَ	صارَتْ – قُلْ – يُخْرِجُ – أَوْجَدَ – سَوْفَ	اُنْظُرْ _
ٱلْأُمر ٱلتَّرْجَمَة	مُسْتَقْبَل التَّرجَمَة	التّرجَمَة الْـ	مُضارِع التَّرجَمَة اَلنَّهي	ٱلْماضِي التَّرجَمَة الْـ
	مشخص كن.)	صسب قواعد با ذکر دلیل	مَعَ بَيانِ السَّبَبِ. (كلمهٔ نامناسب را برح	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ حَسَبَ الْقَواعِدِ
تَجْدِيد		مْخَدِّة 🗍	مْخَدِّ 🗍	هَدَّدَ
اِجْتَهِدْ		يَجْتَهِدُ	آِجْتَهَدَ	مَجْتَهِد 🔘 🚺
يَمْتَنِعُ		🗍 مُمْتَنِع	🗍 مَمْنُوع	🕥 مانِع
تَكْتُبِينَ		نَكْتُبُ	اً كُتُبُ	۴ اً اُکْتُبي
ناصِر		🔘 مَنْصور	🗍 مَنْصورَة	🛕 🗋 مُناصَرَة

## أَكْتُبُ وَزْنَ الْكَلِماتِ التّالِيَةِ وَ حُروفَهَا الْأَصْلِيَّةَ. (وزن كلمات زير و حروف اصلى آن را بنويس.)

حروف اصلی	وزن	وزن	وزن	كلمات
				صالِح، مُصْلِح، صُلَحاء
				أُمْجَد، تَمْجِيد، مَجِيد
				تَفَرُّق، مُتَفَرِّق، مُفارَقَة
				سَتّار، مَسْتُور، مُسْتَتِر
				صَباح، مِصْباح، صَبِيح

ضَعْ هذه الْجُمَلُ وَ التَّراكِيبَ في مكانِها الْمُناسِبِ، ثُمَّ تَرْجِمْها. (اين جملهها و تركيبها را در جاى مناسب خود قرار بده، سپس آنها را ترجمه كن.) الْمُساجِدُ بُيُوتُ اللّهِ - تِلْكَ الشَّجَرَةُ - هذانِ الْمُعلّمانِ - هاتانِ مَجلّتانِ - الْحَيَواناتُ كَثِيرةٌ في الْعالَمِ - ذاكَ الْقَمَرُ - مَعَ الْقَومِ الصّالِحينَ

جمع مكسّر	جمع مؤنّث سالم	جمع مذكّر سالم	مثنّی مؤنّث	مثنّی مذکّر	مفرد مؤنّث	مفرد مذکّر

عَيِّنِ الْمُضَافَ وَ الْمُضَافَ الِيه و الْمَوْصُوفَ وَ الصِّفَةَ في التّراكيبِ التّاليةِ، ثُمَّ تَرْجِمْها. (مضاف و مضافاليه و موصوف و صفت را در تركيبهاي زير معيّن كن، سپس آنها را ترجمه كن.)

أَخِي الْعَزِيزُ – مَزْرَعَتُنا الْصَّغِيرةُ – تَماثيلُ الْعُلَماءِ الْكَبِيرَةُ – مَقَرُّ مُنَظَّمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ مُديرُ مَدْرَسَتِهِ النّاجِحُ – أيّامُ الطُّفولَةِ – اَلطّاقَةُ الْكَهرَبائيّةُ – اَلصِّناعاتُ الْجَدِيدةُ – طُلّابٌ مُجْتَهِدونَ

ترجمه	صفت	موصوف	ترجمه	مضافاليه	مضاف

### إِقْرَأُ النَّصَّ التَّالِيَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأُسْئِلَةِ. (متن زير را بخوان، سپس به سؤالات پاسخ بده.)

### اَلْخَلْقُ فِي الطَّبِيعَةِ

«اللّهُ جميلٌ وَ خَلَقَ الْجَمالَ، عِنْدَما نُشاهِدُ حَوْلَ حَياتِنا نَجِدُ (مي يابيم) الْمناظِرَ الْأَنيقةَ (شيک، زيبا) مِثْلَ الْأَشجارِ الْخَشْراءِ وَ الْعُيُونِ (چشمهها) وَ النَّهْرِ الْجارِي وَ الشَّلالِ (آبشار) الْجَميلِ و كُلُّها كائِنُّ مِن كائناتِ الوجودِ و هِيَ تَحْكِي مِن جَمالِ الْخالِقِ و ذاكَ هُوَ اللّهُ الّذي أَنْعُمُهُ مُنْهَمِرةٌ و ذو حِكْمةٍ بالِغَةٍ وَ قُدْرَةٍ واسِعَةٍ وَ زانَ السَّماءَ بِأَنْجُمٍ مُنيرَةٍ كَالدُّرِرِ الْمُنْتَشِرَةِ.»

عَيِّن الْمُضافَ وَ الْمُضافَ إليه وَ الْمَوْصُوفَ وَ الصَّفَةَ. (مضاف و مضافاليه و موصوف و صفت را مشخص كن.)

صفت	موصوف	صفت	موصوف	مضافاليه	مضاف	مضافاليه	مضاف

	- 0 1
<b>) الْأَسْئِلةِ التّاليةِ</b> . (به سؤالات زير پاسخ بده.)	
لْخَالِقُ جِمِيلٌ؟	ً] هَلِ الْ
ُذي زانَ السَّماءَ بِأَنْجُمٍ؟	1 مَنِ الَّ
عْءٍ يُشَبِّهُ بِالدُّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ؟	ًا أَيُّ شَ
" شاهِدُ حَوْلَ حَياتِنا؟	
, <b></b>	
	یادداش